

عبدالرضا همدانی*

تاریخ روابط ایران و کویت از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۸ در بطن دو حاکمیت، موضوع این مقاله است. در بخش اول به طور خلاصه رابطه کویت و حکومت سابق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش دوم رابطه میان جمهوری اسلامی ایران و کویت بررسی می‌شود.

افت و خیزهای این روابط در دوران جنگ ایران و عراق، میزان همراهی این کشور با عراق و شورای همکاری خلیج فارس پس از تشکیل آن و در مجموع تغییر سیاستهای کویت در قبال ایران در این بخش آورده شده است. از جمله در مقاله به تلاشهای کویت برای کاهش قیمت نفت به منظور افزایش فشار اقتصادی به ایران و در خواست از ایالات متحده برای حمایت از نفت کش های کویت اشاره شده است. همچنین وضعیت این روابط پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، مسئله اشغال کویت توسط عراق و موضع گیری ایران در برابر این حرکت اشغالگرانه و بالاخره بهبود روابط دو کشور تا مقطع ریاست جمهوری آقای خاتمی موارد دیگری است که در مقاله آمده است. طبعاً در کلیه این موارد تعارض دیدگاه های ایران و کویت برای استقرار یک نظام امنیتی به ویژه پس از جنگ خلیج فارس و در عین حال همراهیها و بهبود نسبی موقعیت سیاسی میان دو کشور در مقاطع زمانی نیز آورده شده است.

* کارشناس ارشد رشته علوم سیاسی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۶۴-۱۲۷.

ضرورت ارتباط بین واحدهای سیاسی جهان امروز موجب شده است که تصمیم‌گیرندگان دولتهای ملی با اتخاذ خط مشی متناسب با توانایی‌های خود و به منظور حفظ و یا افزایش منافع ملی، با سایر بازیگران صحنه بین‌المللی وارد تعامل شوند. در این میان کشورهای کوچکی که عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم پا به عرصه بین‌المللی گذاشته‌اند نه تنها برای دستیابی به منافع ملی مشکلاتی دارند بلکه برای حفظ استقلال و تامین امنیت ملی خویش نیز احساس ناتوانی می‌کنند. رابرت رتشتاین در کتاب خود در ارتباط با اهمیت حفظ امنیت برای یک کشور کوچک می‌نویسد: یک کشور کوچک، کشوری است که نمی‌تواند امنیت را در اساس خود با بکارگیری تواناییهایش کسب نماید. همچنین می‌داند که برای چنین امری اساساً ناگزیر از اتکاء به کمک سایر کشورها، نهادها و سازمانها می‌باشد.^۱

با توجه به اینکه کشورهای کوچک عمدتاً دارای مساحتی کم، جمعیتی اندک و توانایی‌های نظامی پایینی هستند، بنابراین مشکل بقاء و امنیت بزرگترین معضل فراروی رهبران و تصمیم‌گیرندگان این کشورها می‌باشد. این معضل هنگامی که یک کشور کوچک به لحاظ منابع و ذخایر ارضی غنی باشد، بیش از پیش آشکار می‌گردد. کشورهای همسایه و یا قدرتهای بزرگ جهت تحصیل منابع و ذخایر ارضی بر کشورهای کوچکی که دارای اینگونه منابع می‌باشند، فشار وارد می‌کنند و در نتیجه این کشورهای کوچک برای حفظ امنیت و پایداری خویش سعی می‌کنند تا به یکی از کشورها و قدرتهای بزرگ تکیه نمایند، تا بدین ترتیب از تهدیدهای دیگر کشورها مصون بمانند. نمونه این گونه کشورها را می‌توان در منطقه خلیج فارس مشاهده کرد. به عنوان مثال کشور کویت که از منابع نفتی وسیعی برخوردار است و در حدود ۹ درصد از ذخایر نفتی شناخته شده جهان را در اختیار دارد از نظر مساحت و جمعیت یک کشور کوچک محسوب می‌شود و علی‌رغم خریداری ابزارهای نظامی پیشرفته از توانایی نظامی محدودی برخوردار است و هرگز در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی قادر به دفاع از تمامیت ارضی خویش نمی‌باشد.

به لحاظ جغرافیایی نیز کویت در میان سه کشور بزرگ منطقه خلیج فارس یعنی ایران،

عراق و عربستان سعودی محصور شده است. حاکمان کویت در راستای حفظ حکومت خود و پایداری سرزمین تحت حکومتشان، تلاش نموده اند تا در تعامل با کشورهای همسایه حتی المقدور توازنی برقرار کنند که در راستای حفظ وضع موجود و تامین امنیت ملی کویت باشد.

آل صباح جهت استمرار حکومت خود و مصون ماندن از خطرات همواره تلاش نموده اند تا حمایت یکی از کشورهای قدرتمند جهان را جلب کنند. بدین منظور بین سالهای ۱۷۸۰ تا ۱۸۹۹ میلادی هر زمان که انگلستان منفعی در کویت داشت، آل صباح به این کشور نزدیک می شدند و اگر به دلایلی برای اندک زمانی، انگلستان کمتر به کویت توجه می کرد، آل صباح در صدد جلب توجه امپراتوری عثمانی بر می آمدند. این شیوه تنظیم روابط، که متضمن حفظ حکومت آل صباح و پایداری کشور بود منجر به تحت الحمایه شدن کویت توسط انگلستان شد و این اتکاء به انگلستان، حتی پس از استقلال کویت تا خروج نیروهای نظامی انگلستان از شرق کانال سوئز، ادامه یافت. با خروج نیروهای نظامی انگلستان از شرق کانال سوئز، توجه آل صباح بیش از پیش به ایالات متحده امریکا معطوف شد و اگر منافع اقتصادی امریکا در کویت نبود، پس از اشغال کویت توسط عراق، آل صباح دیگر هیچ گاه نمی توانستند به کویت باز گردند و حکومت خویش را ادامه دهند.

تعامل و ارتباطات بین المللی کویت برای بقاء و تامین تمامیت ارضی تنها به حفظ روابط با قدرتهای بزرگ محدود نمی باشد، بلکه دولتمردان این کشور در سطح منطقه خلیج فارس نیز سعی دارند به گونه ای روابط خویش را تنظیم کنند که اهداف اولیه و حیاتی این کشور محفوظ بماند. این مقاله روابط دوجانبه ایران و کویت، پس از استقلال این کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد و کوشش می شود تا تبیین گردد که مسئولان کویتی در مقاطع مختلف زمانی تنها با توجه به سیاست حفظ وضع موجود و استمرار حکومتشان به روابط با ایران می نگرسته اند. با توجه به اینکه پژوهش حاضر، بیشتر به تحلیل سیر روابط تاریخی میان ایران و کویت می پردازد، در نتیجه کمتر از نقش و تاثیر قدرتهای بزرگ نظیر ایالات متحده امریکا بر روند شکل گیری مناسبات دوجانبه تهران - کویت سخن به میان خواهد آمد.

روابط ایران و کویت از استقلال کویت تا سقوط رژیم شاهنشاهی ایران

۱۹۶۱/۱۳۴۰ تا ۱۹۷۹/۱۳۵۷

استقلال کویت و مسائل آن :

در ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ م / ۲۹ خرداد ۱۳۴۰ به دنبال مذاکرات میان وزیر امور خارجه انگلیس و شیخ عبدالله سالم الصباح، امیر کویت قرارداد تحت الحمایگی سال ۱۸۹۹ لغو شد و به جای آن معاهده ای در پنج ماده تنظیم شد^۲ و کویت رسماً به استقلال نائل آمد. براساس مفاد این معاهده کلیه قراردادهای قبلی بین دو کشور که مغایر با اصل حاکمیت کویت باشد، ملغی اعلام شد و عنوان شد که روابط بین دو کشور در یک محیط دوستانه ادامه خواهد یافت.

دو طرف تعهد کردند در موارد لازم که منافع هر دو طرف ایجاب کند به گفتگو و تبادل نظر پردازند و در صورتی که دولت کویت تقاضای کمکی در هر زمینه از بریتانیا نماید هیچ عاملی باعث تغییر و یا توقف این کمک نشود. از نظر دو دولت مفاد این قرارداد برای همیشه قابل اجرا بوده و چنانچه یکی از دو طرف متمایل به لغو قرارداد باشد بایستی سه سال قبل از چنین تصمیمی مراتب را به کشور مقابل اعلام نماید.^۳

شیخ عبدالله سالم الصباح امیر کویت در بدو استقلال این کشور، اسلام را مذهب، عربیسم را آرمان، همکاری منطقه ای را رویه ی استراتژیک و تساهل و تسامح را شعار کشورش اعلام کرد.^۴ اما با این حال شناسایی این کشور کوچک در سطح جهان با مشکلاتی مواجه شد. در حالی که انگلیس و ایالات متحده آمریکا، عمدتاً به خاطر منافع اقتصادی و دسترسی به منابع نفتی، این کشور را به رسمیت شناخته و موافق با پیوستن کویت به سازمان ملل متحد بودند، اتحاد جماهیر شوروی به همراه متحد منطقه ای خود عراق استقلال کویت را توطئه امپریالیسم قلمداد می کردند. مسکو به هیچ وجه راضی به پیوستن کویت به سازمان ملل متحد نبود و آن را در جهت منافع کشورهای بلوک غرب می دانست.^۵

عبدالکریم قاسم رهبر ناسیونالیست عراق نیز تنها چند روز پس از اعلام استقلال کویت نسبت به این کشور ادعای ارضی نمود و اظهار داشت شیخ کویت، قائم مقام وی در آن

سرزمین می باشد و از این پس ماهانه حقوقی برابر هشتاد دینار دریافت خواهد کرد.^۶ تهدید عراق به الحاق کویت به خاک خود و حضور نیروهای نظامی این کشور در مرزهای کویت سه واکنش عربی، منطقه ای و بین المللی را برانگیخت. با این همه حمایت کشورهای همچون انگلستان، عربستان سعودی، مصر و ایران موجب شد تمامیت ارضی این کشور از تجاوز عراق مصون بماند.

ایران ضمن ارسال تلگرام تبریکی به مناسبت استقلال این کشور، در ۱۷ تیرماه ۱۳۴۰ به کویت اطمینان داد که از تمامیت ارضی و استقلال این کشور حمایت می کند.^۷ با اوج گرفتن بحران میان عراق و کویت، گرچه کویت تقاضای کمک نظامی از ایران نکرد اما بدنبال تحریم صادرات عراق به کویت، این کشور با کمبود شدید مواد غذایی مواجه شد و در جهت مقابله با این معضل روزانه هفتاد تا یکصد لنج ایرانی از بندر آبادان، مواد غذایی به کویت حمل می کردند و گاهی نیز از سوی سربازان عراقی مورد تهاجم واقع می شدند.^۸

علی رغم تهدید وزیر امور خارجه عراق به قطع روابط با کلیه کشورهایی که کویت را به رسمیت بشناسند، حمایت سیاسی - اقتصادی ایران از کویت بسیار ارزشمند بود و سپاس مقامات این کشور را به دنبال داشت.^۹ بنا به درخواست دولت کویت و بر اساس بند سوم معاهده منعقد شده با انگلستان در زمان استقلال، پنج هزار سرباز انگلیسی از پایگاهی در کنیا به کویت اعزام و در مرزهای عراق و کویت مستقر گردیدند. اما پس از مدتی و با تصویب اتحادیه عرب، سربازانی از اردن، مصر، سوریه، سودان و عربستان سعودی جایگزین نیروهای انگلیسی شدند.^{۱۰} دولت عراق که عملاً توان مقابله نظامی با نیروهای انگلیسی را نداشت و کشورهای عربی را نیز در مقابل خود می دید، پس از دریافت مبلغ قابل توجهی از خاندان صباح از ادعاهای ارضی خود چشم پوشید و همین امر سبب شد تا آرامش نسبی در کویت برقرار شود.^{۱۱}

آغاز روابط دیپلماتیک ایران و کویت :

به دنبال ادعاهای عبدالکریم قاسم و برقراری ثبات نسبی در کویت، سفارتخانه ایران در

۱۲ ژانویه ۱۹۶۲ / ۲۲ دی ماه ۱۳۴۰ در پایتخت این کشور گشایش یافت.^{۱۲} و با ورود سفیر کویت به تهران در ۲۵ اسفند ۱۳۴۰ روابط دیپلماتیک دو کشور رسماً آغاز شد.^{۱۳} همگامی شاه با سیاست های آمریکا و انگلیس و حمایت این دو کشور از کویت در گسترش روابط تهران - کویت تأثیر به سزایی داشت، به طوری که ایران در کنار انگلستان از پیوستن کویت به سازمان ملل حمایت می کرد.^{۱۴}

با این همه در زمانی که روابط ایران و کویت کاملاً دوستانه به نظر می رسید، کاوش های نفتی ایران در فلات قاره تنش هایی در روابط میان دو کشور ایجاد کرد. در اول آوریل ۱۹۶۳ / ۱۲ فروردین ۱۳۴۲ شرکت ملی نفت ایران دو منطقه در فلات قاره را به منظور اکتشاف نفت به مزایده بین المللی گذاشت. دو ماه بعد دولت کویت اقدام شرکت ملی نفت ایران را نقض حاکمیت مرزی این کشور تلقی نمود و اعلام کرد اقدام مذکور تجاوزی به فلات قاره کویت می باشد. برای رفع سوء تفاهم در این زمینه گروه های کارشناسی میان دو کشور تشکیل شد. کارشناسان ایرانی جزیره خارک، پایانه عمده نفتی ایران، و کارشناسان کویتی جزایر وره، بوبیان و فیلکا را در تعیین مرز ساحلی دخیل می دانستند به همین دلیل این مذاکرات به راه حل و نتیجه ای مناسب تر نرسید. برای تحدید فلات قاره میان دو کشور و به دنبال دعوت رسمی شیخ صباح الاحمد وزیر امور خارجه کویت، وزیر امور خارجه وقت ایران در آوریل ۱۹۶۴ / اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ راهی کویت شد و در ملاقات میان وزرای خارجه تصمیم گرفته شد طرحی برای پی گیری این قضیه تنظیم گردد.^{۱۵} بدین منظور موافقت نامه ای در ژوئن ۱۹۶۵ / خردادماه ۱۳۴۴ از سوی وزیر امور خارجه کویت و کاردار سفارت ایران در کویت به امضا رسید، اما با این وجود تا به امروز حدود فلات قاره میان دو کشور علی رغم تمایل تهران و کویت تعیین نشده است.^{۱۶}

نزدیکی سواحل عراق، کویت و ایران به یکدیگر، اختلاف میان عراق و کویت در ترسیم حدود فلات قاره و اختلاف میان ایران و عراق در همین زمینه، عاملی بود تا دو کشور قبل از ترسیم حدود فلات قاره خود با مرز عراق نتوانند اقدام مناسبی جهت تعیین فلات قاره خود به عمل آورند و به همین دلیل هنوز حدود فلات قاره میان دو کشور تعیین نشده است.

اما در کنار این موضوع نباید فراموش کرد که حکومت کویت هنوز از رژیم عراق بیم داشت. گرچه مدت اندکی از سقوط دولت عبدالکریم قاسم می گذشت و برادران عارف زمام امور عراق را در دست گرفته بودند و نسبت به کویت همچون دولت عبدالکریم قاسم ادعاهای ارضی نداشتند، اما کویتهای مایل بودند در ابتدا مرز دریایی خود را با عراق تعیین کنند و سپس حدود فلات قاره را با ایران مشخص سازند تا بدین ترتیب دولت عراق نتواند بهانه تازه ای علیه کویت بتراشد و بار دیگر این کشور را تهدید نماید. علی رغم اینکه ایران و کویت در زمینه تعیین مرزهای دریایی با یکدیگر اختلاف نظر داشتند ولی در همین دوره همکاری های اقتصادی دو کشور در حال توسعه بود. از جمله برای گسترش مناسبات بازرگانی در وزارت اقتصاد ایران، اداره ای به نام اداره امور کویت و امارات خلیج فارس در اوت ۱۹۶۳ / مرداد ۱۳۴۲ تشکیل^{۱۷} و بدنبال آن در اول فوریه ۱۹۶۴ / ۱۲ بهمن ۱۳۴۲ ارتباط هوایی حمل و نقل بر اساس توافق میان شرکت های هواپیمایی ایران و کویت برقرار شد.^{۱۸} در نتیجه صادرات ایران به کویت که عمدتاً شامل فرش، پسته و انواع محصولات کشاورزی بود از هفت میلیون دلار در سال های ۶۳-۱۹۶۲ / ۴۲-۱۳۴۱ به ۲۴/۴ میلیون دلار در ۶۵-۱۹۶۴ / ۴۴-۱۳۴۳ افزایش یافت.^{۱۹}

با اعلام آمادگی دولت انگلستان در سال ۱۹۶۸ / ۱۳۴۷ مبنی بر خارج کردن نیروهای خود از شرق کانال سوئز، ایران ضمن اظهار آمادگی رسمی برای پرکردن خلأ نظامی در خلیج فارس، تأکید کرد که هیچ کشور خارجی نباید در امور این منطقه دخالت کند.^{۲۰} بدین منظور در سفر شیخ صباح السالم الصباح امیر کویت به ایران در دهم ژانویه ۱۹۶۸ / ۲۰ دی ۱۳۴۶ در مورد امنیت خلیج فارس توسط ایران به امیر کویت اطمینان داده شد که ایران در برابر هر تجاوز خارجی نسبت به کویت از این کشور حمایت خواهد کرد.^{۲۱} ایران حضور فعال تر در منطقه خلیج فارس و دریای عمان را در راستای تأمین منافع ملی خود می دانست، به همین منظور جهت کسب حمایت کشورهای منطقه برای پرکردن خلأ خروج نیروهای نظامی انگلستان و حفظ امنیت خلیج فارس تلاش نمود عربستان سعودی و کویت را در پذیرش نقطه نظرات خود همراه سازد.

نظر مثبت غرب به توانایی ایران برای تأمین امنیت منطقه و منافع کشورهای غربی در این منطقه نفت خیز، همسویی ایران و کویت با سیاست های انگلیس و آمریکا و بالاخره ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت و نیاز این کشور به جلب حمایت قدرت های منطقه ای نظیر ایران تأثیر قابل توجهی در همسویی نقطه نظرات کویت با ایران در این زمینه داشت. با این حال، پس از اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه تنب کوچک، بزرگ و ابوموسی، در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ / ۹ آذر ۱۳۵۰ بار دیگر روابط میان ایران و کشورهای عربی تیره شد و کویت نیز در کنار سایر کشورهای عربی علیه ایران موضع گرفت و سفیر خود را از تهران فراخواند.^{۲۲}

هم نوایی برخی از کشورهای عربی با یکدیگر باعث شد تا مقامات کویتی نیز در کنار همتایان عرب خوب شکواییه ای علیه ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال نماید و خواستار خروج نیروهای نظامی ایران از جزایر سه گانه شود.^{۲۳} اما این هماهنگی میان کویت و دیگر کشورهای عربی تا زمانی ادامه یافت که این کشور در معرض خطر و تهدید امنیت ملی از سوی عراق قرار نگرفته بود. تجاوز نظامی عراق به کویت در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ / ۹ آذر ۱۳۵۲ و درگیری میان نیروهای نظامی دو کشور در منطقه الصامته که منجر به کشته شدن دو سرباز کویتی شد، بار دیگر توجه مقامات کویتی را به کسب حمایت از ایران معطوف نمود.^{۲۴}

از سوی دیگر اختلاف میان ایران و عراق درباره اروندرود در پنجم آوریل ۱۹۶۹ / ۱۶ فروردین ۱۳۴۸ تبدیل به بحرانی جدی شد. در حالی که دولت ایران معتقد بود خط تالوگ تعیین کننده مرز آبی میان دو کشور در اروندرود است، دولت عراق این آبراه را جزئی از قلمرو سرزمینی خود قلمداد می کرد.^{۲۵} وزیر دفاع و رییس ستاد ارتش کویت، جهت میانجی گری میان دو کشور در رأس هیأتی به بغداد رفتند اما دولت عراق به بهانه حمله احتمالی ایران به بندر ام القصر از این هیأت درخواست کرد که به نیروهای عراقی اجازه داده شود در مناطق شمالی خاک کویت مستقر گردند. گرچه دولت کویت با توجه به مطامع ارضی پیشین عراق و اعتقاد به این که هدف دولت عراق حداقل تصرف بخشهایی از کویت است با این پیشنهاد مخالفت ورزید، اما بالاخره زیر فشار عراق حاضر به قبول شد و نیروهای عراقی در بخشی از

مناطق شمالی و مجاور مرز عراق و کویت مستقر شدند.

دولت عراق که حضور نظامی خود را در کویت محقق ساخته بود، پس از مدتی اعلام کرد برای دفاع از تأسیسات نفتی ام‌القصر نه تنها به مناطق شمالی کویت نیاز دارد بلکه جهت دستیابی بهتر به آب‌های خلیج فارس مایل است جزایر وره و بوبیان نیز در اختیار این کشور قرار گیرد. دولت کویت با اعتراض به این مسئله بر تعداد نیروهای نظامی خود در منطقه الصامته افزود و در نتیجه یک درگیری میان نیروهای نظامی دو کشور رخ داد. دولت ایران در واکنش به این تصمیم بغداد و پس از برخورد نظامی با نیروی کویتی در منطقه الصامته، اعلام کرد در صورت درخواست امیر کویت، به این کشور نیروهای نظامی ارسال خواهد شد و ایران الحاق هر قسمت از کویت توسط عراق را تحمل نخواهد کرد. نخست وزیر وقت ایران نیز تصریح کرد ایران در قبال هر گونه تلاشی برای ایجاد تغییرات ژئولتیک در منطقه خلیج فارس به وسیله عراق بی تفاوت نخواهد ماند.^{۲۶}

هر چند حمایت همه جانبه دولت ایران در کنار فشار اتحادیه عرب و قدرت‌های غربی عراق را وادار به عقب نشینی نمود، اما عملکرد مقامات کویتی نشان داد که این کشور به اقتضای منافع خود به روابط با ایران می‌نگرد. آنجایی که تهدیدی علیه امنیت ملی کویت وجود نداشت، مثل مسئله بحرین و جزایر سه گانه، این کشور در کنار دیگر کشورهای عربی که با ایران اختلافاتی داشتند قرار می‌گرفت. ولی هر جا احساس خطر می‌کرد به خصوص از جانب عراق، بهترین روابط را با ایران برقرار می‌ساخت.

روابط ایران و کویت پس از خاتمه بحران الصامته تا سقوط رژیم شاهنشاهی در ایران :

دولت کویت پس از فروکش نمودن مطامع ارضی عراق با تشخیص اینکه با تکیه به یک قدرت منطقه‌ای نظیر ایران خواهد توانست بخشی از ثبات و استقرار داخلی خویش را تأمین نماید، تلاش می‌کرد تا موضع هماهنگ‌تر و استراتژی مناسب‌تری در ارتباط با ایران اتخاذ نماید. به عنوان مثال در جنگ اعراب و اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳ / مهر ۱۳۵۲ کشورهای نفت خیز عرب صادرات نفت را به اروپا و آمریکا تحریم کردند، اما ایران با افزودن بر

قیمت نفت، صادرات خویش را به کشورهای اروپایی، ایالات متحده و حتی به اسرائیل ادامه داد.^{۲۷} این اقدام ایران منجر به اعتراض کشورهای نفت خیز عرب به سرکردگی عربستان سعودی شد، ولی این بار بر خلاف موارد پیشین، کویت نسبت به این اقدام ایران سکوت کاملی اختیار کرد.^{۲۸}

در سازمان اوپک نیز کویت از تصمیمات و سیاست های ایران به خاطر اینکه همسو با منافع ملی این کشور بود، حمایت می کرد. به عنوان مثال در سال ۱۹۷۵ که اجلاس وزیران نفت اوپک در دوحه پایتخت قطر برگزار شد، ایران تصمیم داشت ده درصد به بهای هر بشکه نفت اضافه نماید اما عربستان سعودی معتقد به یک افزایش پنج درصدی بود. در این میان کویت که به دنبال کسب درآمدهای بیشتر و بالابردن سطح رفاه داخلی بود و نمی توانست به تنهایی در برابر عربستان سعودی قرار گیرد، از تصمیم ایران پشتیبانی نمود.^{۲۹} در واقع کویت برای به کارگیری دیپلماسی خاص خود یعنی «دیپلماسی دینار» نیاز به منابع مالی داشت. کویت با بهره گیری از دیپلماسی دینار تلاش داشت تا با پرداخت کمک های مالی، دوستی دیگر کشورها را جلب کند.^{۳۰} امضاء قرارداد الجزیره در سال ۱۳۵۴/۱۹۷۵ میان ایران و عراق، کویت را بیش از هر کشور دیگری در منطقه خوشنود ساخت به طوری که وزیر امور خارجه کویت این توافق را آغاز خوبی برای ثبات و امنیت منطقه دانست. کویت امیدوار بود با انعقاد این قرارداد تهدیدهای عراق کاهش یابد و دولت عراق دیگر به بهانه مقابله با ایران خواهان اراضی کویت نباشد. اما تکیه و هم سویی با ایران به دنبال قیام ملت علیه رژیم شاهنشاهی متزلزل شد.

حکومت کویت که شاه را یک متحد طبیعی می دید و رژیم حاکم بر ایران را یک قدرت منطقه ای حافظ وضع موجود تلقی می کرد، هرگز مایل نبود وضعیت سیاسی - امنیتی موجود در منطقه به گونه ای تغییر کند که تأثیری منفی بر حکومت، تمامیت ارضی و امنیت ملی کویت داشته باشد. بنابراین مسئولان کویتی در راستای حمایت از شاه و جلوگیری از بروز تنش داخلی از ورود امام خمینی (ره) به کویت ممانعت به عمل آوردند.

استمرار رژیم شاهنشاهی در ایران به قدری برای کویت اهمیت داشت که امیر این

کشور چند ماه قبل از فروپاشی رژیم شاه، نماینده‌ای به دربار ایران فرستاد و اظهار امیدواری کرد که مسائل موجود در صحنه داخلی ایران هر چه سریعتر برطرف شود. اما دیری نپایید که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و رژیم شاهنشاهی سقوط کرد.

به نظر می‌رسد روابط دو کشور در سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۹ / ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ عمده‌تاً مطلوب و در سطح مناسبی بود. هر چند در مواردی کویت هم‌سو با اکثریت کشورهای عربی موضع‌گیریهای مقطعی علیه ایران اتخاذ می‌نمود، اما به دلیل اختلافات مرزی ایران و کویت با عراق، دولت ایران بر اساس منافع ملی خود از کویت در برابر تهدیدات عراق حمایت می‌کرد. مقامات کویتی به خوبی می‌دانستند حمایت‌های ایران از این کشور در برابر مطامع ارضی عراق یک عامل مهم در پایداری کشور و استمرار حکومتشان می‌باشد. از این رو تا واپسین روزهای حکومت سلطنتی به هیچ‌وجه نمی‌خواستند تغییری در نظام سیاسی ایران بوجود آید که مغایر با منافع ملی کویت باشد.

در ارتباط با خط مشی‌های تعیین قیمت نفت در سازمان اوپک نیز ایران و کویت در پرتو منافع ملی خود با یکدیگر تفاهم داشتند. هر دو کشور در پی کسب درآمدهای بیشتری از صادرات نفت بودند و با توجه به اینکه عربستان سعودی، به دلیل تولید بالای خود، راضی به افزایش قیمت‌ها نبود و ایران یا کویت نیز به تنهایی نمی‌توانستند تغییری یکجانبه در بهای نفت اعمال کنند، بنابراین با حمایت‌های کویت از تصمیمات ایران در سازمان اوپک، هر دو کشور تا حد امکان به اهداف مورد نظر خویش دست می‌یافتند.

روابط ایران و کویت از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا اشغال کویت توسط عراق

۱۳۵۸/۱۹۷۹ تا ۱۳۶۹/۱۹۹۰

پیروزی انقلاب اسلامی ایران انعکاس جهانی وسیعی داشت و بالطبع در سطح منطقه نیز بازتاب آن به نحو محسوسی گسترده بود. در این میان دولت کویت که تمایل به حفظ وضع موجود در منطقه خلیج فارس داشت، مجبور به تغییر سیاست‌ها و روابط دوجانبه خود با ایران شد. مقامات کویتی معتقد بودند از این پس در برابر نظام سنی مذهب و

محافظه کار خود، در ایران شاهد یک نظام شیعی مذهب و رادیکال خواهند بود که ماهیت آن با رژیم شاهنشاهی تفاوت های چشمگیری خواهد داشت.

اقلیت شیعه کویته و ایرانیان مقیم در این کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط شاه از تغییرات به وجود آمده در ایران و استقرار یک نظام مذهبی استقبال نمودند. فعالیت شیعیان و ایرانیان مقیم در این کشور برای مقامات کویته نگران کننده بود و به همین دلیل دولت کویت برای مقابله با فعالیت شیعیان و ایرانیان مقیم و حفظ نظم و امنیت اقداماتی را اتخاذ نمود. دولت کویت برای تحت کنترل درآوردن اقلیت شیعی این کشور ابتدا به سلب تابعیت و تبعید مبادرت کرد و پس از مدتی با افتتاح مجدد مجلس ملی و استفاده از وزرای شیعی در کابینه تلاش کرد این اقلیت شیعی را تحت کنترل درآورد. ولی در برخورد با ایرانیان مقیم در این کشور، مقامات کویته به سرعت مبادرت به اخراج اتباع ایرانی همسو با جریان های داخلی ایران و خواهان ایجاد تغییرات در کویت می نمودند. اما در بین شیعیان کویته وحدت رویه و همکاری منسجمی جهت احقاق حقوق خود وجود نداشت. برای تبیین این موضوع می توان شیعیان کویته را به سه دسته تقسیم کرد:

الف) شیعیانی که خواستار تغییر نظام سیاسی کویت بودند و دولت کویت برای مقابله با این گروه به سلب تابعیت و اخراج آنها از کویت متوسل شد.

ب) شیعیانی که در چارچوب نظام سیاسی کویت خواهان کسب حقوق خویش بودند و بهترین شیوه احقاق حقوق خود را فعالیت های پارلمانی و حضور در مجلس ملی می دانستند.

ج) شیعیان خواهان حفظ وضع موجود و نزدیک به آل صباح که به لحاظ مالی در وضعیت مناسبی به سر می بردند و خواستار حفظ وضع موجود در کویت بودند. خاندان حاکم بر کویت نیز برای کنترل شیعیان کویته از این گروه بهره می جست.

بازتاب پیروزی انقلاب اسلامی در میان ایرانیان مقیم کویت :

اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولان کویته نسبت به فعالیت های بخشی از ایرانیان مقیم در این کشور به نفع انقلاب اسلامی و ترویج افکار و اندیشه های انقلابی احساس

خطر نمودند. و واکنش شدیدی از خود نشان دادند. مقامات کویتی بر این باور بودند که ایرانیان مقیم قصد تغییر نظام سیاسی کویت را دارند و از حمایت دولت ایران نیز برخوردارند.^{۳۱} هر زمان که تظاهرات و یا تجمعات ایرانیان مقیم این کشور منجر به دخالت نیروهای نظامی کویت می گردید، سفارت ایران به اتباع خود پناه می داد و مانع دستگیری ایرانیان می شد.^{۳۲}

دولت کویت برای مقابله با این وضعیت اقدام به اخراج اتباع ایرانی می کرد.^{۳۳} وقتی که عده ای در عربستان سعودی مسجدالحرام را تسخیر کردند، دولت کویت با هراس از اینکه اقدامات مشابهی در کویت رخ دهد، فشار بیشتری بر ایرانیان مقیم آورد، به همین دلیل اخراج ایرانیان شدت بیشتری یافت.^{۳۴} تعداد اتباع ایرانی که در نیمه اول دهه ۸۰ میلادی از کویت اخراج شدند، قریب به پنج هزار نفر برآورد شده است و تنها در یک دوره هجده ماهه از ۲۲ مهر ۱۳۶۱ تا ۱۷ بهمن ۱۳۶۲ دوهزار و دویست و بیست ایرانی از کویت اخراج شده و به ایران بازگشتند.^{۳۵} پی گیری این سیاست در نهایت به نفع دولت کویت تمام شد زیرا ایرانیانی که از وضعیت مالی مناسبی در کویت برخوردار بودند تمایلی به ترک این کشور و رها نمودن اندوخته های خود نداشتند و به همین دلیل به تدریج از فعالیت سیاسی ایرانیان مقیم کویت کاسته شد.^{۳۶}

روابط ایران و کویت پیش از آغاز جنگ ایران و عراق :

هر چند کویت نیز مثل سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با انقلاب اسلامی ایران بسیار احتیاط آمیز برخورد کرد، اما با این حال در ژوئیه ۱۹۷۹ / تیرماه ۱۳۵۸ و تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، صباح الاحمد الجابر الصباح، معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت به عنوان اولین مقام عالی رتبه منطقه خلیج فارس به تهران سفر کرد و با همتای خود در دولت موقت، ملاقات نمود.

در بیانیه مشترکی که در پایان سفر وزیر امور خارجه کویت به تهران منتشر شد، طرفین بر احترام متقابل به استقلال و تمامیت ارضی یکدیگر و برقراری امنیت خلیج فارس توسط

کشورهای منطقه تأکید کردند.^{۳۷} و لیکن تحولات درونی ایران بسیار سریع تر از آن بود که در روابط میان دو کشور یک وضعیت باثباتی برقرار شود. اشغال سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران در نوامبر سال ۱۹۷۹ / آبان ماه ۱۳۵۸ استعفای مهدی بازرگان، نخست وزیر دولت موقت را به دنبال داشت که این امر سبب شد تا کویت با دقت بیشتری به سیاست های آتی ایران بنگرد.

روابط ایران و کویت پس از آغاز جنگ ایران و عراق :

با آغاز حمله عراق به ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ / ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ منطقه خلیج فارس به کانونی بحرانی تبدیل شد. کویت که نزدیک ترین کشور به منطقه عملیات نظامی ارتش های ایران و عراق بود، در همان اولین روزهای آغاز جنگ بی طرفی خود را اعلام کرد.^{۳۸} هر چند به نظر می رسد دولت کویت مدتها قبل از حمله عراق به ایران از وقوع این تهاجم اطلاعاتی داشته است اما در اولین اظهار نظر رسمی در باره جنگ از طرفین درگیر تقاضای توقف نبرد را نمود. ولیعهد و نخست وزیر کویت خواستار توقف هر چه زودتر جنگ ایران و عراق شد و اظهار داشت «کویت نسبت به پایان دادن جنگ اصرار می ورزد و از بذل هر گونه کوششی جهت ایجاد راه حلی عادلانه میان دو همسایه دریغ نخواهد کرد».^{۳۹}

با این حال این کشور از عواقب جنگ در امان نماند به طوری که در ۱۷ نوامبر ۱۹۸۰ / ۲۶ آبان ۱۳۵۹ اعلام کرد هواپیماهای ایران حریم هوایی کویت را نقض کرده اند و بار دیگر در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۱ / ۲۳ خرداد ۱۳۶۰ ادعا نمود هواپیماهای جنگنده ایرانی به پست دیده بانی مرزی کویت در منطقه العبدلی حمله ور شده اند. گرچه وزارت امور خارجه ایران ادعاهای کویت را تکذیب کرد، اما به تدریج روابط میان دو کشور به تیرگی گرایید.^{۴۰}

تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و تغییر سیاستهای کویت

به نظر می رسد یکی از مهم ترین عوامل تشکیل این شورا در ۱۹۸۱ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بوده است. زیرا کشورهای خلیج فارس احساس می کردند، دولت ایران

خواستار صدور انقلاب خود می باشد. حملات سیاسی دولت ایران علیه کشورهای منطقه و تندروی هایی که پس از استعفای دولت موقت صورت گرفت، به این امر دامن می زد. کشورهای خلیج فارس از سوی ایران به عدم وفاداری به اسلام و تبدیل شدن به آلت دست ابرقدرتها متهم می شدند. تحلیل گران و کارشناسان مسائل بین المللی با توجه به حمایت های ایالات متحده آمریکا از تشکیل این شورا، در مجموع معتقد بودند که وقوع انقلاب اسلامی ایران، خلأ قدرت ناشی از سقوط شاه، اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی و آغاز جنگ ایران و عراق در تلاش های آمریکا برای به وجود آمدن این شورا و خواسته رهبران کشورهای منطقه بی تأثیر نبوده است.^{۴۱}

یکی از اولین مواردی که مورد توافق اعضای شورای همکاری خلیج فارس واقع شد حمایت از عراق به عنوان یک کشور عرب درگیر در جنگ بود. کویت نیز گرچه در ظاهر ادعای بی طرفی می کرد اما در عمل با استناد به قراردادهای منعقدشده در سال های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ در زمینه ترانزیت کالا و تجهیزات نظامی از بنادر کویتی الشعیبه و الشویخ به بصره سیاست پشتیبانی از عراق را در پیش گرفت.^{۴۲} تغییر موضع اعلام شده کویت از بی طرفی کامل در جنگ به حمایت از عراق و ترانزیت تجهیزات نظامی به این کشور بالاخره با واکنش نظامی ایران مواجه شد. در دهم اوت ۱۹۸۱ / ۱۹ مردادماه ۱۳۶۰ کشتی تجاری ال.اس.کت که حامل تجهیزات نظامی برای عراق و مقصد آن کویت بود توسط ناوگان نیروی دریایی ایران در دهانه تنگه هرمز متوقف شد و به شرق جزیره هرمز و سپس به بندرعباس منتقل گردید. وزارت امور خارجه ایران در همین رابطه با انتشار بیانیه ای اعلام داشت اجازه نخواهد داد کشتی ها در شرایط جنگی تجهیزات نظامی به عراق منتقل نمایند و دولت هایی که تسهیلات بندری خود را جهت ارسال کالاهای جنگی به عراق اختصاص می دهند باید منتظر پاسخ قاطعانه ای باشند.^{۴۳}

به دنبال ادامه فعالیت بنادر کویتی در ارسال محمولات لجستیکی به عراق، تأسیسات نفتی کویت در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۱ / ۲۴ مهر ۱۳۶۰ توسط هواپیماهای ایران بمباران شد.^{۴۴} در نظر مقامات ایران تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در جهت حمایت از عراق بود و

می توانست ایران را در وضعیت دشوارتری قرار دهد. بر همین اساس نخست وزیر وقت ایران، در دسامبر ۱۹۸۱ / ۳۰ آذر ۱۳۶۰ چند ماه پس از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس خواهان عدم مداخله کشورهای عضو این شورا در جنگ میان ایران و عراق شد و رییس وقت مجلس شورای اسلامی نیز با نكوهش از حمایت شورای همکاری خلیج فارس از عراق اعلام کرد تا زمانی که دولت های منطقه بی طرفی خود را حفظ کنند، جمهوری اسلامی ایران قصد حمله به هیچ کدام از کشورهای منطقه را نخواهد داشت.^{۴۵} علی رغم این اظهار نظرهای صریح مقامات ایران، روند حمایت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس من جمله کویت از عراق ادامه یافت. به طوری که دولت کویت در ۱۹۸۱ طی سه مرحله مبلغ شش میلیارد دلار به عراق وام داد. این کشور در طول هشت سال جنگ ایران و عراق به تنهایی بیش از ۱۲ میلیارد دلار به عراق کمک کرد.^{۴۶} این کمک های نقدی جدای از وام های کم بهره ای بود که از سوی کویت به بخش های مختلف صنعتی و کشاورزی عراق اعطا می شد.^{۴۷}

آزاد سازی خرمشهر توسط ایران و افزایش حمایت کویت از عراق :

آزاد سازی خرمشهر در سال ۱۹۸۹ / ۱۳۶۱ توسط نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران و وادار نمودن ارتش عراق به اتخاذ یک موضع دفاعی، نقطه تحولی در روابط و مواضع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با طرفین متخاصم در جنگ بود. سیاستمداران ایرانی لحن خشن تری را به کار گرفته و از شورای همکاری خلیج فارس خواستند در سیاست منطقه ای خود تجدید نظر نمایند.^{۴۸} شکست های نظامی عراق در جبهه های جنگ و سخنان شدیدالحن مقامات ایرانی خطاب به دولت کویت، این کشور را در این بیم و هراس قرار داد که ممکن است با شکست عراق یک رژیم انقلابی شیعی در آن کشور حاکم شود و پس از آن نوبت به سقوط رژیم محافظه کار و سنی کویت فرا رسد. این شیوه تلقی دولت کویت هنگامی به اوج رسید که دولت ایران قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد را نپذیرفت و بر ادامه جنگ اصرار ورزید.

موضع ایران در قبال قطعنامه های شورای امنیت و ادامه یافتن جنگ، مستمسک

مناسبی برای کویت و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بود تا به شیوه آشکارتری از عراق حمایت کنند. به طوری که وزرای امور خارجه شورای همکاری خلیج فارس در ژوئیه ۱۹۸۲ / تیر ماه ۱۳۶۱ حمایت جدی خود را از عراق اعلام نمودند و به عرب بودن یکی از طرفین درگیر در جنگ استناد کردند.^{۴۹} عبدالله یعقوب بشاره دبیر کل کویتی شورای همکاری خلیج فارس، ایران را تهدیدی منطقه ای توصیف کرد که سعی دارد حکومت های منطقه را تغییر دهد. بنابه نظر وی و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، عراق کشوری بود که در راستای حفظ وضع موجود و تأمین امنیت در منطقه تلاش می کرد. دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس در ارتباط با خط مشی کویت نیز اظهار داشت: «هدف از کمک به عراق مقابله با رژیم انقلابی ایران است که برای امنیت کویت یک تهدید مستقیم به شمار می آید».^{۵۰}

یکی از مهمترین اقدامات کویت در این مقطع زمانی در جهت حمایت از عراق فروش نفت به نفع این کشور بود. پس از اینکه در سال ۱۹۸۲ / ۱۳۶۱ دولت سوریه تصمیم گرفت خط لوله نفتی عراق را که از این کشور می گذشت، قطع کند، کویت و عربستان سعودی با توافق یکدیگر تصمیم گرفتند روزانه در حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت را که از منطقه بی طرف میان دو کشور استخراج می شد به نفع عراق به فروش رسانند. فروش نفت منطقه بی طرف به نفع عراق تا پایان جنگ ادامه یافت.^{۵۱} اما دولت عراق که تاکنون از تسهیلات بندری و کمک های مالی کویت بهره مند شده بود، به این حمایت ها اکتفا ننمود و صدام حسین رئیس جمهوری این کشور به طور رسمی از دولت کویت درخواست کرد تا دو جزیره ور به و بوبیان برای مدت بیست سال به عراق اجاره داده شوند.^{۵۲} فشار عراق برای در اختیار گرفتن دو جزیره ور به و بوبیان سابقه ای طولانی داشت. در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی نیز مسئولان این کشور تقاضای مشابهی از کویت داشتند، اما مقامات کویتی با توجه به عدم پایداری عراق به انعقاد یک قرارداد مرزی میان دو کشور به خوبی می دانستند که اگر این جزایر را در اختیار دولت عراق قرار دهند، دیگر به سادگی قادر نخواهند بود آن را بازپس گیرند. تجربه ای که مسئولان کویتی از حادثه الصامته در سال ۱۹۷۳ به دست آورده بودند مهمترین دلیلی بود که

باعث شد در آن مقطع زمانی این دو جزیره به عراق اجاره داده نشود، هر چند که پس از تصرف شبه جزیره فاو توسط نیروهای ایرانی، کویت این دو جزیره را تا پایان جنگ ایران و عراق به نیروهای عراقی واگذار کرد.

به دنبال سفر ولیعهد کویت به عراق، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی به دولت کویت هشدار داد که اگر این دو جزیره در اختیار عراق قرار گیرند، توسط ارتش ایران مورد تهاجم واقع خواهند شد. با این حال روند فشارهای عراق بر کویت پس از تصرف شبه جزیره فاو توسط نیروهای مسلح ایران بیش از پیش ادامه یافت. در این زمان تهدیدهای عراق به بالاترین درجه خود رسید و حتی برای استفاده از جزایر ورهبه و بوبیان مبادرت به ارباب و تهدید مقامات کویتی نمود.

اقدامات کویت برای کاهش بهای نفت و افزایش فشار اقتصادی بر ایران:

با گسترش صحنه نبرد خلیج فارس و حمله به پایانه های نفتی و کشتی های تجاری و نفتکش کشورهای منطقه در اول ژوئن ۱۹۸۴، ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ شورای امنیت قطعنامه شماره ۵۲۲ را به تصویب رساند و تهاجم های اخیر به کشتی های بازرگانی را که به بنادر کویت و عربستان سعودی رفت و آمد می کردند، محکوم نمود.^{۵۳}

اما از آنجا که دولت ایران معتقد بود کشتی هایی که به کویت و عربستان سعودی رفت و آمد می کنند، حامل کالاهایی به مقصد عراق می باشند، تلاش می کرد تا ضمن بازرسی این کشتی ها و ضبط محموله های ارسالی به عراق تا حد امکان مانع کمک این دو کشور به عراق شود. در این راستا کشتی کویتی المحرق در ژوئن ۱۹۸۵ / خرداد ماه ۱۳۶۴ پس از عبور از تنگه هرمز مورد بازرسی نیروهای دریایی ایران قرار گرفت و مشخص شد که مقصد واقعی بخشی از محموله این کشور بندر ام القصر است.^{۵۴} به دنبال این واقعه نیروی دریایی ایران اعلام کرد برای جلوگیری از ورود کالاهایی که توان رزمی عراق را افزایش می دهند کشتی های مظنون را توقیف خواهد نمود.

کویت و عربستان سعودی برای تحت فشار قرار دادن ایران به لحاظ اقتصادی و

پایان دادن به جنگ، در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ با هماهنگی و همکاری دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس اقدام به افزایش بی رویه تولید نفت نمودند. تضعیف اقتصادی ایران مهم ترین هدف کویت و عربستان سعودی بود، ضمن اینکه با حمایت های مالی و فروش نفت منطقه بی طرف به سود عراق، عملاً مانع از این می شدند که عراق تحت تأثیر شدید سقوط قیمت های نفت قرار گیرد. اجرای این سیاست باعث شد تا درآمدهای نفتی ایران به شدت کاسته شود، به طوری که این درآمدها از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ تنزل یافت.^{۵۵} سیطره عربستان سعودی بر سازمان اوپک و فشارهای این کشور و دیگر کشورهای منطقه نظیر کویت و امارت عربی متحده برای پایین نگه داشتن بهای نفت، در کنار حملات متعدد عراق به پایانه های نفتی ایران، نشان می دهند که این کشورها قصد داشتند با تضعیف توانایی اقتصادی و درآمدهای ارزی، دولت ایران را مجبور به پذیرش قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد نمایند.^{۵۶}

با کاهش بهای نفت، بحران های اقتصادی متعددی گریبانگیر کویت شد. با این حال مقامات کویت برای کاستن از توانایی های اقتصادی ایران به تولید زیاد و پایین نگه داشتن قیمت نفت ادامه دادند و هرچند در داخل کشور با کاستی هایی مواجه شدند ولی در اجرای سیاست اقتصادی خود علیه ایران، با همکاری دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس، موفق گردیدند.

درخواست از ایالات متحده آمریکا جهت حمایت از نفت کش های کویتی:

با تصرف شبه جزیره فاو توسط نیروهای نظامی ایران که یکی از مهمترین وقایع در طول هشت سال جنگ میان ایران و عراق بود، دولت کویت احتمال داد که تصرف شبه جزیره فاو آغاز شکست عراق است و پس از آن رژیم محافظه کار این کشور نیز سقوط خواهد کرد. به همین دلیل دولت کویت که تجمع نیروهای ایرانی را تنها در چند کیلومتری خود می دید، پس از سالها مقاومت بالاخره حاضر شد جزایر ورهبه و بوبیان را در اختیار عراق قرار دهد. در همین زمینه وزارت امور خارجه کویت موافقت هیأت وزیران را برای عبور جنگنده های

عراقی از فراز خور عبدالله به مدت بیست ثانیه برای هر پرواز اعلام کرد.^{۵۷}

دولت کویت به دنبال تصرف شبه جزیره فاو، در سطح منطقه و در عرصه بین المللی دست به اقداماتی زد تا بتواند مانع از ادامه جنگ که به مرزهای این کشور نزدیک شده بود، گردد. این کشور در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس در ابوظبی توانست موضوع تغییر پرچم نفت کش های کویتی را به تصویب برساند و بدین ترتیب دست آویزی برای توسل به قدرت های بزرگ جهت حمایت از خود داشته باشد. کویت همچنین از پنج عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز درخواست کرد که حداکثر تلاش خود را برای حفظ صلح و ثبات در منطقه خلیج فارس به کار بندند و با توجه به تشدید دامنه جنگ ایران و عراق از هیچ اقدامی جهت برقراری امنیت در منطقه براساس قطعنامه های شورای امنیت کوتاهی نکنند.^{۵۸}

در اعتراض به استفاده عراق از جزایر وره و بوبیان و فضای کویت برای حرکت هواپیماها، چندین موشک کرم ابریشم از سوی ایران به مراکز اقتصادی و تأسیسات نفتی کویت شلیک شد. این حملات عمده ترین عاملی بود که باعث شد کویت برای حمایت از مراکز نفتی و نفت کش هایش تقاضای حمایت جهانی نماید. بدین منظور و برای حفظ امنیت خطوط کشتی رانی خود و ادامه صادرات نفت که تنها منبع درآمد این کشور محسوب می شد از ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق درخواست کرد تا نفتکش های کویتی را با پرچم خود و تحت حمایت ناوگان نظامی خویش از خلیج فارس خارج نمایند.

کویت در دهم دسامبر ۱۹۸۶، ۱۴ آذر ۱۳۶۵ از ایالات متحده تقاضا نمود اسکورت نفت کش های کویتی را بر عهده گیرد ولی به دنبال تعلل واشنگتن، دولت کویت همین تقاضا را از اتحاد جماهیر شوروی تکرار کرد و دولت اتحاد جماهیر شوروی حاضر شد در مقابل دریافت ۱۵۰ میلیون دلار سه تانکر نفت کش کویتی را به مدت سه سال تحت حمایت ناوهای خویش قرار دهد.^{۵۹} پس از این که موافقت بین کویت و مسکو در زمینه حمایت از نفت کش های کویتی به طور رسمی اعلام شد، مقامات واشنگتن با نماینده کویت در سازمان ملل متحد وارد مذاکره شدند و به دنبال توافق طرفین از هجدهم ژوئیه ۱۹۸۷، ۲۷ تیر ۱۳۶۶ نفت کش های

کویت برای تردد در خلیج فارس، پرچم آمریکا را برافراشتند و توسط ناوهای آمریکایی هدایت شدند.^{۶۰}

از دیدگاه مقامات ایران عملکرد دولت کویت برای استفاده از پرچم آمریکا حاکی از تلاش این کشور جهت بین المللی نمودن جنگ و خاتمه آن به نحوی بود که هیچ پیروزی نداشته باشد. دولت ایران، کویت را عامل اصلی حضور ناوگان ایالات متحده در خلیج فارس می دانست.^{۶۱} اما مسئولان کویتی معتقد بودند با توجه به اینکه نیروهای نظامی این کشور ناتوان و اندکند و حتی نیروهای نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز قابلیت ایستادگی در برابر قدرت برتر ایران را ندارند، به همین سبب برای حمایت از نفت کش های خود به ناچار به ابرقدرت ها متوسل شدند.

رویداد مهم دیگری که روابط میان ایران و کشورهای عربی را در سال ۱۳۶۶/۱۹۸۷ به طور عام کاهش داد، اجلاس سران عرب در امان بود. در این اجلاس برای اولین بار ایران مهم ترین خطر علیه کشورهای عربی و حتی بالاتر از اسرائیل تلقی شد.^{۶۲} با افزایش حمایت های کویت از عراق، روابط تهران - کویت به مرحله پرتشنجی رسید به طوری که دولت ایران حتی در پنجمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی که در فوریه ۱۹۸۷ در کویت تشکیل گردید، در هیچ سطحی شرکت نکرد و دلیل آن را اعتراض به محل برگزاری اجلاس عنوان نمود.

برافراشته شدن پرچم ایالات متحده بر فراز کشتی های کویتی، حملات پراکنده ناوهای نظامی آمریکا به پایانه های نفتی و کشتی های ایرانی و همچنین استفاده فراوان عراق از فضای هوایی کویت برای حمله به ایران، روابط میان ایران و کویت را به بحرانی ترین وضعیت خود رساند. پس از کشتار زائران بیت الله الحرام توسط پلیس عربستان سعودی در ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۷/۹ مرداد ۱۳۶۶، تظاهرات وسیعی در اول اوت/دهم مرداد ۱۳۶۶ در مقابل سفارت عربستان سعودی برگزار شد و پس از آن تظاهرکنندگان به خاطر حمایت های کویت از عراق و حضور ناوگان نظامی آمریکا به سفارت کویت حمله ور شدند و در نتیجه سفارت کویت در تهران تعطیل شد. تعطیلی سفارتخانه کویت تیره ترین روابط میان دو کشور را در طول تاریخ

بیست و شش ساله استقلال کویت رقم زد که نتیجه آن حمایت گسترده تر کویت از عراق و واگذاری جزایر ورهبه و بویان برای استفاده مداوم از خاک و فضای آن تا پایان جنگ بود.

کویت از سپتامبر ۱۹۸۷ / شهریور ماه ۱۳۶۶ تا پایان جنگ میان ایران و عراق بارها از سوی نیروهای نظامی ایران مورد تهاجم واقع شد. این امر منجر به اتکاء بیشتر این کشور به آمریکا و تلاش برای پایان دادن به جنگ گردید. در ماه سپتامبر دولت کویت با ادعای این که موشک های ایرانی به یکی از تأسیسات بندری این کشور برخورد کرده اند، پنج دیپلمات ایرانی را اخراج نمود و در ۳۰ مارس ۱۹۸۸ / ۱۰ خرداد ۱۳۶۷ دو روز پس از خروج نیروهای ایرانی از شبه جزیره فاو، تأسیسات کمپانی نفتی گتی^{۶۳} در منطقه الوفره کویت مورد اصابت موشک قرار گرفت. اما آنچه بیش از هر چیز افکار عمومی را در کویت تحت تأثیر قرار داد رבוته شدن هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ الجابریه کویت بود که به گفته مقامات این کشور ربایندگان هواپیما از شیعیان طرفدار ایران بودند.^{۶۴}

روابط ایران و کویت پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تا اشغال کویت توسط عراق:

از زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط جمهوری اسلامی ایران در ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸ / ۲۷ تیر ۱۳۶۷ تا اشغال کویت توسط عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ / ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ تنها اندکی بیش از دو سال سپری شد، اما در همین مدت روابط میان دو کشور رو به بهبودی نهاد. برای مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران کاستن از تشنجات منطقه ای و پرداختن به بازسازی آسیب های وارد شده در زمان جنگ از مهم ترین اولویت های سیاست خارجی و داخلی محسوب می شد. مسئولان کویتی نیز که در فکر ثبات سیاسی و اقتصادی منطقه خلیج فارس بودند و تلاش داشتند از این پس هیچ گونه مشکل حادی در روابط میان کشورهای منطقه رخ ندهد به برقراری رابطه ای مبتنی بر حسن همجواری با ایران همت گماشتند. بدین منظور شیخ جابر الاحمد الصباح، امیر کویت قریب به سه هفته پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، در دهم اوت ۱۹۸۸ / ۱۹ مرداد ۱۳۶۷ با ارسال نامه ای به رئیس جمهور ایران از پایان یافتن جنگ ابراز خشنودی نمود.^{۶۵}

نیاز کویت به برقراری مناسباتی متعادل با سه کشور بزرگ منطقه یعنی عربستان سعودی، ایران و عراق عاملی بود تا در جهت گسترش روابط با ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیر نزولی یافته بود، کوشش نماید. بدین منظور در سپتامبر ۱۹۸۸/ شهریور ۱۳۶۷ سفیر کویت، به تهران بازگشت و سفارت این کشور بار دیگر گشوده شد.^{۶۶} در مقابل این اقدام، سفیر ایران نیز در یازدهم اکتبر ۱۹۸۸/ ۱۹ مهر ۱۳۶۷ به کویت رفت و پس از چندین سال سطح دیپلماتیک سفارت ایران از کاردار به سفیر ارتقاء یافت. فعالیت های دولت ایران بعد از جنگ در راستای توسعه روابط با کشورهای منطقه، بازتاب مناسبی در شورای همکاری خلیج فارس داشت، به طوری که سران شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه پایانی اجلاس سوم سپتامبر ۱۹۸۹/ ۱۲ شهریور ۱۳۶۸ آمادگی خود را برای برقراری روابطی دوستانه با ایران اعلام نمودند.^{۶۷} در پرتو این روند عادی سازی روابط، دولت کویت با توجه به فروکش نمودن بحران در منطقه در اواخر سال ۱۹۸۹/ پاییز ۱۳۶۸ به هدایت نفت کش های خود توسط ناوگان های ایالات متحده آمریکا خاتمه داد و نفت کش های این کشور بدون حمایت از سوی آمریکا به تردد در خلیج فارس پرداختند.^{۶۸}

پس از پایان جنگ و فروکش نمودن بحران در منطقه، دو کشور به توسعه روابط دوجانبه همت گماشتند. بازسازی ویرانی های جنگ مهم ترین مسئله رودر روی دولت ایران بود و برای استفاده از فن آوری خارجی، کسب منابع ارزی از فروش هرچه بیشتر نفت، ضرورتی غیر قابل انکار بود. بنابراین عادی سازی روابط با عربستان سعودی و کویت، دو تولیدکننده مهم نفت، اهمیت بسیاری داشت اما حمله عراق به کویت و اشغال این کشور در توسعه بیشتر مناسبات تهران-کویت وقفه ای کوتاه مدت ایجاد کرد.

روابط ایران و کویت پس از آزادسازی کویت تا نخستین سال ریاست

جمهوری سید محمد خاتمی در ایران ۱۳۶۹/۱۹۹۰ تا ۱۳۷۷/۱۹۹۸

موضع گیری ایران در برابر اشغال کویت:

تاریخ روابط سیاسی ایران و کویت نشان می دهد هر زمان که عراق در صدد تجاوز به

خاک کویت بوده، ایران با واکنش شدیدی از استقلال و تمامیت ارضی کویت حمایت کرده است. تهدیدات و سیاست‌های توسعه طلبانه عراق نسبت به کویت در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی / چهل و پنجاه هجری شمسی همواره با عکس‌العمل ایران مواجه می‌شد، ولی در دوم اوت ۱۳۹۰ / ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ وضعیت کاملاً متفاوت بود.

جمهوری اسلامی ایران گرچه اولین کشور در منطقه بود که تجاوز عراق را محکوم کرد و خواستار عقب‌نشینی این کشور از خاک کویت شد،^{۶۹} اما به دلیل تبادل نامه میان رؤسای جمهوری اسلامی ایران و عراق، مذاکرات صلح بین هیأت‌های دیپلماتیک دو کشور و اعلام آمادگی صدام حسین برای پذیرش موافقت‌نامه الجزایر که در سال ۱۳۵۴ / ۱۹۷۵ بین ایران و عراق به امضاء رسیده بود، حاضر نبود در قبال حمایت کامل از کویت منافع خود را پس از یک دهه جنگ به سادگی از دست بدهد. بنابراین ضمن محکومیت تجاوز عراق به خاک کویت، به مذاکره با این کشور برای حل و فصل اختلافات ادامه داد.^{۷۰} ایران هرگز حاضر نبود سیاستی را اتخاذ نماید که روند مذاکرات صلح را متوقف سازد. بنابراین محکوم نمودن تجاوز عراق به کویت و گشودن مرزها به روی پناهیجویان کویتی پرانعطاف‌ترین شیوه‌ای بود که ضمن کسب اعتبار برای ایران در میان کشورهای عربی، لطمه‌ای به ادامه مذاکرات صلح با عراق وارد نمی‌ساخت. به همین دلیل رییس‌جمهور وقت ایران از یک سو قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در ارتباط با خروج نیروهای عراقی از کویت و تحریم اقتصادی عراق را مورد حمایت قرار می‌داد و از سویی دیگر اعلام می‌کرد مذاکرات صلح ایران و عراق از بحران کویت جدا می‌باشد.

هرچند پی‌گیری مذاکرات صلح در راستای منافع ایران بود اما به لحاظ ژئوپولیتیکی استمرار اشغال کویت توسط عراق کاملاً به ضرر ایران تمام می‌شد. دسترسی به منابع نفتی عظیم کویت و قابلیت راه‌یابی بهتر به خلیج فارس توانایی‌های عراق به نحو غیر قابل انکاری افزایش و ایران را در معرض چالشی جدی قرار می‌داد. مسئولان بلند پایه ایرانی با نفی تهاجم نظامی، بهترین راه حل برای پایان دادن به بحران و آزادسازی کویت را مذاکرات دیپلماتیک می‌دانستند. در این راستا علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه سابق ایران، به کشورهای عضو

شورای همکاری خلیج فارس، سوریه، ترکیه و پاکستان سفر کرد تا راه حلی برای آزادسازی کویت پیدا شود اما عدم همکاری عراق باعث شد تا این تلاش ها هیچ نتیجه مثبتی نداشته باشد و در نتیجه ایران با آغاز عملیات «طوفان صحرا» برای آزادسازی کویت رسماً اعلام بی طرفی کرد.^{۷۱}

تعارض دیدگاه ایران و کویت برای استقرار یک نظام امنیتی پس از جنگ خلیج فارس:

ثبات مرزهای بین المللی و حفظ برتری ژئوپولیتیک ایران در خلیج فارس، مهمترین اصل در سیاست های ایران در این منطقه می باشد. از بدو استقلال کویت نیز ایران به خاطر حفظ اهمیت ژئوپولیتیک خود در منطقه در برابر سیاست های توسعه طلبانه عراق نسبت به کویت ایستادگی می کرد. برای ایران در هیچ زمانی این امر مطلوب نبود که عراق به منابع نفتی و آبهای ساحلی کویت به طور همیشگی دست یابد و تبدیل به کشوری قدرتمندتر در سطح منطقه شود. بنابراین حمایت از کویت در برابر تهدیدات عراق همواره همسو با منافع ملی ایران می باشد. برای آزادسازی کویت گرچه ایران توان نظامی و شرایط داخلی مساعدی نداشت، اما حضور نیروهای آمریکایی در منطقه برای بیرون راندن عراق از کویت دقیقاً مطابق منافع ملی ایران بود. به عبارت دیگر مسئولان ایرانی در محاسبات خود به این نتیجه رسیده بودند که با اتخاذ یک سیاست بی طرفانه ضمن این که آسیبی به کشور وارد نمی شود، کویت هم به وسیله نیروهای آمریکایی و دیگر متحدان آزاد خواهد شد و عراق نیز شکست سنگینی خواهد خورد و تا مدت ها مجالی برای عرض اندام در خلیج فارس نخواهد داشت. در نتیجه ایران با کمترین هزینه به مقصود خویش خواهد رسید. می توان تا این مرحله، اهداف و منافع ایران را با ایالات متحده آمریکا موازی تلقی کرد. اما برای مرحله بعد پیش بینی ایران درست نبود و تناقض آشکاری بین اهداف ایران و سیاست های آمریکا پدید آمد.

جمهوری اسلامی ایران امیدوار بود پس از پایان یافتن جنگ خلیج فارس، شکست سنگین عراق، ناتوانی واضح شورای همکاری خلیج فارس در دفاع از تمامیت ارضی خود و

خروج نیروهای نظامی ایالات متحده از منطقه خلیج فارس، ضمن مشارکت فعال در ترتیبات امنیتی منطقه، بار دیگر تبدیل به قدرت اول منطقه خلیج فارس شود. جمهوری اسلامی ایران برای کسب اعتماد و همکاری کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، خواستار عضویت رسمی در شورای همکاری خلیج فارس و گسترش روابط با اعضای این شورا شد و حتی استراتژی ۶+۱ «یعنی شورای همکاری خلیج فارس به اضافه ایران» را برای سیستم جدید امنیتی منطقه ارائه داد.^{۷۲} اما این محاسبات کارگزاران سیاست خارجی ایران کاملاً اشتباه بودند زیرا نه تنها آمریکا، به دلیل ذخایر عظیم نفتی و بازار مصرف بزرگ منطقه خلیج فارس حاضر به ترک و رها نمودن این نقطه استراتژیک نبود، بلکه اصولاً به خاطر حفظ منافع خود اقدام به یورش نظامی به عراق و آزادسازی کویت نموده بود.

عملیات «طوفان صحرا» که برای بیرون راندن عراق از خاک کویت توسط نیروهای آمریکایی و متحدانش اجرا شد، در درجه اول برای دورنگه داشتن عراق از چاه های نفتی کویت بود. بنابر این حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس تضمین کننده منافع این کشور در منطقه بود.

در این میان کویت نیز خواستار تداوم حضور نظامی آمریکا در منطقه بود. مسئولان کویتی هیچ اطمینانی به سیستم های امنیتی منطقه ای نداشتند. ضعف نظامی شورای همکاری خلیج فارس بر کسی پوشیده نبود، ضمن این که اتحادیه عرب نیز ناتوانی خود را برای حل و فصل بحران کویت نشان داد. همچنین بیانیه دمشق و تشکیل ائتلافی تحت عنوان ۶+۲ «به معنی شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به اضافه سوریه و مصر» تنها به صورت نوشته ای بر روی کاغذ باقی ماند. در واقع دولت کویت نمی خواست وارد ائتلافی شود که توانایی بازدارندگی و پیشگیری از حمله به کویت را نداشته باشد، بلکه در نظر داشت به نیرویی اتکاء نماید که ضمن حفاظت از تمامیت ارضی کویت از چنان قدرتی برخوردار باشد که دیگر هیچ کشوری اندیشه تجاوز به این کشور کوچک را در سر نپروراند.^{۷۳} بر این اساس کویت در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ / ۲۸ شهریور ۱۳۷۰ یک پیمان دفاعی دوجانبه با ایالات متحده آمریکا به مدت ده سال به امضاء رساند.

از دیدگاه ایران، بیانیه دمشق (۶+۲) و امضاء قراردادهای دوجانبه امنیتی با ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای غربی تلاشی بود تا ایران را از نظام امنیتی منطقه خارج کند و بدین جهت دولت ایران به طور پیاپی این پیمان ها را رد می نمود و اعلام می کرد این پیمان ها نمی توانند به تنهایی حافظ امنیت منطقه باشند و منطقه خلیج فارس به یک سیستم امنیت منطقه ای نیاز دارد و این سیستم امنیتی تنها زمانی برقرار می شود که ایران به عنوان یک قدرت مطرح در منطقه خلیج فارس در آن حضور داشته باشد.

اما با توجه به این امر که ایالات متحده به بهانه حفظ امنیت منطقه و در حقیقت جهت تسلط کامل بر منابع نفتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت کنترل بهای نفت و تحصیل هرچه بهتر منافع ملی به هیچ وجه قصد خروج از خلیج فارس را نداشت، جمهوری اسلامی ایران مجبور به ایجاد تغییراتی در استراتژی خود شد و به گسترش روابط اقتصادی و برقراری همکاری های دوجانبه با کشورهای منطقه، منجمله کویت، روی آورد تا بدین ترتیب فضایی از اعتماد ایجاد نماید و به مرور زمان مسائل امنیتی را مطرح سازد. ولی به نظر می رسد این استراتژی به دودلیل زیر نتوانست پاسخگوی خواسته های سیاست گذاران ایرانی باشد.

الف) وضعیت مبادلات اقتصادی:

صادرات ایران به کویت و دیگر کشورهای خلیج فارس، عمدتاً محدود به محصولات کشاورزی، خشکبار و صنایع دستی می باشد. بدیهی است صادرات این گونه محصولات، اهمیتی همچون محصولات صنعتی ندارد تا یک کشور را به کشورهای دیگر وابسته کند یا در ارتباطی تنگاتنگ قرار دهد و در نتیجه روابط به تدریج در زمینه های دیگر ارتقاء یابد. حجم مبادلات بازرگانی کویت و ایران در حدود یک صد میلیون دلار بود که در مجموع مبادلات اقتصادی هر یک از دو کشور از جایگاه برجسته ای برخوردار نبود و حتی در صورت قطع روابط اقتصادی میان دو کشور، هم جمهوری اسلامی ایران و هم کویت می توانستند نیازهای خود را از راه های دیگر جبران کنند. بنابراین ماهیت همکاری و روابط اقتصادی ایران با کشورهای

خلیج فارس آن چنان نبود که بتوان یک سیاست گام به گام را به پیش برد و مناسبات را به نحوی که هدف سیاستگذاران ایران بود، متحول کرد.

ب) ادعاهای امارات عربی متحده درباره جزایر سه گانه:

امارات عربی متحده با ادعای مالکیت بر جزایر سه گانه تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی، و واکنش ایران نسبت به این ادعا عامل بروز تنش ناخواسته میان جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شد. کویت به عنوان عضوی از شورای همکاری خلیج فارس نمی توانست در اقدام دسته جمعی سایر اعضا جهت صدور بیانیه های مختلف و تقاضا از ایران برای خارج شدن از این سه جزیره، هماهنگ عمل نکند. به همین دلیل در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس، به اتفاق دیگر اعضا از امارات عربی متحده حمایت می کرد. ولی مسئولان بلندپایه این کشور با توجه به این که به تازگی از یک جنگ خانمان سوز بیرون آمده بودند، به هیچ وجه تمایل نداشتند در روابط میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران تنشجی به وجود آید و به بی ثباتی منطقه دامن زده شود.

دولت کویت تلاش نمود با اقدام به مساعی جمیله، بحران میان دو کشور به نحوی حل و فصل شود و در این زمینه پیشگام دیگر کشورهای منطقه بود.^{۷۴} قریب به یک سال پس از آغاز ادعاهای امارات متحده، احمد عبدالعزیز السعدون رئیس مجلس ملی کویت در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۹۳ / ۳۰ مرداد ۱۳۷۱ وارد تهران شد و ضمن مذاکره با رئیس جمهور اسلامی ایران، از پیشنهاد ایران مبنی بر مذاکره مستقیم ایران و امارات عربی متحده استقبال کرد. وی بالاترین مقام کویتی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران سفر می کرد، سفر السعدون دو نکته زیر را آشکار کرد:

الف) کویت در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بهترین روابط را با ایران داشت و مساعی جمیله این کشور بدون توجه به این نکته نبود.

ب) کویت تمایل داشت روابط خود را با ایران در سطح مناسبی حفظ کند و

تلاش می‌کرد در مواردی که میان متحدان اصلی اش و ایران اختلافی به وجود می‌آید به شیوه‌ای عمل کند که هیچ طرفی را نرنجاند و به همین علت کوشش می‌نمود، مسئله جزایر سه‌گانه به وسیله‌ای برای بروز تشنج میان ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس تبدیل نشود.

هرچند کویت به خاطر عضویت در شورای همکاری خلیج فارس در اجلاس‌های این شورا از امارات عربی متحده حمایت می‌کرد، اما تنها کشور عضو این شورا بود که ضمن ارائه پیشنهاد مذاکره مستقیم میان دو کشور، حکمیت را نیز به عنوان گامی در جهت رفع اختلاف مطرح می‌نمود. در حالی که دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس از پیشنهاد امارات عربی متحده مبنی بر مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری حمایت می‌کردند. کویت حتی در اجلاس پنجاهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد که موضوع اختلاف بر سر جزایر سه‌گانه مطرح شد، در ابتدا از پیشنهاد مذاکرات مستقیم حمایت کرد و پس از آن از دولت ایران درخواست کرد به تقاضای امارات عربی متحده در زمینه ارجاع این مسئله به دیوان لاهه توجه نماید.^{۷۵}

جدول شماره یک مقایسه‌ای تطبیقی در نحوه برخورد کویت با مسئله جزایر سه‌گانه را در سال‌های ۱۳۵۰/۱۹۷۱ و ۱۳۷۱/۱۹۹۲ نشان می‌دهد.

جدول نشان می‌دهد، تجربه اشغال کویت توسط عراق و هزینه کلان آزادسازی این کشور، مقامات کویتی را واقع‌گراتر نموده است و دولت کویت با تعقل بیشتر و تأثیرپذیری کمتر از جنجال‌های تبلیغاتی در مسئله‌ای که به طور مستقیم با امنیت ملی این کشور ارتباط ندارد از خود واکنش شدیدی بروز نمی‌دهد. به همین دلیل بود که در اوج جریان‌های ادعای امارات عربی متحده نسبت به جزایر سه‌گانه در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ رابطه خود را با ایران کاهش نداد و حتی وزیر امور خارجه کویت از مسئولان بلند پایه دولت امارات عربی متحده درخواست کرد مسئله جزایر سه‌گانه را به طور مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند و وضعیت منطقه را بیش از این متشنج نکنند.^{۷۶}

ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی و بازتاب آن در روابط ایران و کویت:

پیروزی آقای سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری بازتاب وسیعی در کشورهای عربی منجمله کویت داشت. تأکید بر بسط روابط منطقه‌ای و اعمال سیاست تشنج‌زدایی که در میان برنامه‌های اعلامی سید محمد خاتمی در زمینه سیاست خارجی اعلام شده بود، در کشورهای عربی مورد توجه قرار گرفت. سیر تحولات میان جمهوری اسلامی ایران و کویت پس از آغاز به کار ریاست جمهوری جدید ایران به گونه‌ای بود که تنها سه ماه بعد از شروع فعالیت‌های دولت جدید، از سوی وزیر دفاع کویت اعلام شد به زودی مانور دریایی مشترکی با ایران به منظور تحکیم ثبات و امنیت منطقه و حفظ منافع ملی کشورهای منطقه برگزار خواهد شد.^{۷۷}

اما به نظر می‌رسد فشارهای منطقه‌ای و خارجی به خصوص از جانب امارات عربی متحده و ایالات متحده آمریکا، مانع از آن شد که این مانور برگزار شود. بدیهی است که مقامات کویتی راغب نبودند در مقابل رنجاندن واشنگتن، هم‌پیمان استراتژیک و قدرتمند خود و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس اقدام به برگزاری مانور نظامی با ایران نمایند. به همین دلیل در سفر کمال خرازی، وزیر امور خارجه ایران به کویت، شیخ صباح الاحمد الصباح، وزیر امور خارجه کویت پیشنهاد کرد به جای برگزاری مانور نظامی، همکاری‌های امنیتی دوجانبه میان دو کشور برقرار گردد.^{۷۸}

پیشنهاد کویت بیشتر بدین خاطر بود که قاچاق مواد مخدر از مرزهای ایران به کویت رواج و گسترش بسیاری یافته بود و این کشور در تلاش بود تا به هر نحو ممکن از حجم ورود مواد مخدر به درون مرزها جلوگیری نماید.^{۷۹} در همین راستا، طی سفر محمد خالد الصباح وزیر کشور کویت به تهران در ۱۰ ژوئن ۱۹۹۸/۲۰ خرداد ۱۳۷۷ یادداشت تفاهمی میان وزرای کشور ایران و کویت در زمینه توسعه همکاری‌های امنیتی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و جلوگیری از تردد غیر مجاز اشخاص و شناورها به امضاء رسید.^{۸۰} با بررسی برخی از مفاد این یادداشت تفاهم به نظر می‌رسد دولت ایران برای اثبات حسن نیت خود و پیاده نمودن سیاست تنش‌زدایی در عرصه عمل، حاضر شده است این یادداشت تفاهم، آن گونه که مطمح نظر

مقامات کویتی است تهیه و تنظیم شود. در این یادداشت تفاهم مقرر شده است که در راه مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر هر دو دولت با یکدیگر همکاری لازم را داشته باشند. ولی با توجه به هم مرز بودن ایران با افغانستان و پاکستان، مناطقی که در آن مواد مخدر تولید می شود، و دستگیر شدن چندین تبعه ایرانی به اتهام قاچاق مواد مخدر در کویت^{۸۱}، واضح بود که ایران باید بار مسئولیت مبارزه را بردوش بکشد.

همچنین در قسمت دیگری از این یادداشت تفاهم بر لزوم جلوگیری از تردد غیر مجاز شناورها و اشخاص تأکید شده بود. با توجه به این موضوع که حجم تردد ایرانیان به کویت بسیار بیشتر از سفر کویتی ها به ایران است و اصولاً بعضی از لنج داران بنادر جنوبی کشور با حمل کالاهای قاچاق از کشورهای حاشیه خلیج فارس امرار معاش می کنند، می توان نتیجه گیری کرد که حضور غیر مجاز ایرانیان نسبت به کویتی ها بسیار بیشتر می باشد و دولت که ایران خود را متعهد نموده است که با این پدیده مبارزه نماید.

برگزاری کنفرانس سران اسلامی و کوشش مقامات کویتی جهت گسترش روابط ایران-شورای همکاری خلیج فارس:

برگزاری کنفرانس اسلامی و حضور رؤسای کشورهای اسلامی در ایران یکی از عوامل کسب وجهه بین المللی و انعکاس چهره ای مطلوب تر از ایران در مجامع مختلف جهانی بود. به همین مناسبت امیر کویت نیز برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تهران سفر کرد و در هشتمین نشست سران کشورهای اسلامی حضور یافت.

شیوه عملکرد مسئولین کویتی جهت بهبود روابط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران به خوبی نشان می دهد که این کشور برای فراهم شدن شرایط لازم گسترش روابط در ابتدا تلاش کرد تا دیدگاه های مقامات ایرانی و عربستان سعودی، به عنوان بزرگ ترین کشورهای منطقه، را به یکدیگر نزدیک کند و سپس با به وجود آمدن فضای مطلوب، از کلیه کشورهای منطقه درخواست نماید در جهت توسعه روابط فعالیت کنند. به عنوان مثال صباح الاحمد الصباح وزیر امور خارجه کویت از همتایان خود در

شورای همکاری خلیج فارس تقاضا نمود در راه برقراری تفاهم منطقه ای با جمهوری اسلامی ایران براساس حسن همجواری، احترام به حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، کوشش نمایند.^{۸۲} شاید مسئولان کویتی با دریافت این نکته که ملت های منطقه در درازمدت نمی توانند پذیرای نیروهای بیگانه باشند و بالاخره دولت ها روزی می بایست به قراردادهای دوجانبه نظامی قدرت های غربی پایان دهند و همچنین با توجه به این که قرارداد دفاعی کویت با ایالات متحده و انگلیس در سال ۲۰۰۱ پایان می پذیرد و احتمال دارد افکار عمومی در کویت با تمدید آن مخالفت نمایند، سعی دارند به نحوی کشورهای منطقه را، به جز عراق، به یکدیگر نزدیک نمایند.

نتیجه گیری

مشکل بقاء و امنیت را می توان بزرگترین و مهم ترین معضل کشورهای کوچک دانست. عوامل تهدیدکننده داخلی و خارجی، نه تنها به ثبات سیاسی یک کشور کوچک لطمه وارد می کنند، بلکه موجودیت آن را در معرض خطر قرار می دهند. طی یک بررسی از میزان تأثیرپذیری کشور کوچک کویت از مسائل منطقه ای و جهانی، تبیین شد که حفاظت از پایداری و امنیت ملی کشور، نقشی اساسی در موضع گیری های مختلف مقامات کویتی دارد، به طوری که ریشه بسیاری از جهت گیری ها و فعالیت های کویت در مسائل منطقه ای و جهانی را می توان در بطن این تأثیرپذیری پیگیری نمود. همچنین در بررسی عوامل مؤثر بر شکل گیری سیاست خارجی کویت ملاحظه شد که محدودیت توان نظامی این کشور و خطرات بالقوه و بالفعل تهاجم خارجی، از دیرباز سران کویت را قانع کرده است که برای استمرار حکومت خود به قدرتهای غربی اتکاء نمایند و از این نقطه نظر روابط خارجی خود را با دیگر کشور ها ترسیم کنند. در سطح منطقه خلیج فارس نیز منافع کویت اقتضاء می نماید که تا حد ممکن از هر گونه درگیری و تقابل با کشورهای همسایه خودداری ورزد و به هرنحو ممکن در مناسبات خود توازن و تعادل را برقرار نماید تا در سایه این سیاست بتواند امنیت و پایداری مورد نظر خود را به دست آورد. تهدیدات عراق در بدو

استقلال کویت و متوسل شدن این کشور به انگلستان، اشغال هفت ماهه این کشور توسط عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ و دخالت نیروهای نظامی امریکا برای آزادسازی کویت گواهی بر این مدعاست.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دیدگاه مسئولان کویتی نسبت به ایران کاملاً تغییر کرد. به زعم مقامات کویتی، رژیمی که حافظ وضع موجود در منطقه خلیج فارس بود، جای خود را به نظامی داده بود که هدف اصلی آن صدور انقلاب و براندازی شیخ نشین های منطقه بود. با توجه به همین نقطه نظر بود که در روزهای آغازین جنگ عراق و ایران، کویت به ظاهر ادعای بی طرفی کرد، اما انواع حمایت های سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و ... را از عراق به عمل آورد. آل صباح اعتقاد داشتند که ایران انقلابی در پی براندازی نظامهای سیاسی منطقه است و اگر عراق در این جنگ شکست بخورد، طبق نظریه دومینو به طور سلسله وار نظامهای سیاسی شیخ نشین های خلیج فارس سقوط خواهند کرد و سرسلسله این کشورها، کویت خواهد بود.

گرچه پس از آزادسازی کویت، مسئولان بلند پایه این کشور به گسترش مناسبات دوجانبه با ایران اهتمام ورزیدند، برای بهبود روابط تهران-ریاض کوشش هایی به عمل آوردند و در ابتدای بروز اختلاف میان ایران و امارات متحده عربی در مورد جزایر سه گانه به مساعی جمیله پرداختند، اما این نکته را به وضوح روشن کردند که به هیچ وجه حاضر نیستند به خاطر اختلافات ایران و ایالات متحده امریکا، چتر حمایتی امریکا را از فراز سر خود کنار بزنند و پیمان دفاعی با امریکا را که در راستای منافع اقتصادی و سیاسی ایالات متحده امریکا و حفظ حکومت کویت است، لغو کنند و به پیمانهای منطقه ای و سیستمهای امنیت منطقه ای که هیچ ضمانتی در حسن اجرا ندارند، دل ببندند.

در نتیجه، به نظر می رسد کویت مادامی که احساس نماید از سوی عراق تهدیدی علیه این کشور وجود دارد، هیچ گونه تمایل به کاهش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس نخواهد داشت.

با عنایت به قراردادهای نظامی طولانی مدت کشورهای عربی منطقه خلیج فارس با

ایالات متحده امریکا و تمایل این کشورها به استمرار حضور نظامی امریکا، به نظر می‌رسد بهترین راه برای ایجاد فضایی آکنده از اعتماد و اطمینان میان ایران و کشورهای منطقه، توجه به روابط اقتصادی و گسترش مبادلات تجاری است.

مشکلات مالی و اقتصادی کشورهای منطقه باعث شده است تا این کشورها به منافع و مصالح مالی بیشتر توجه نشان دهند و در راه کاهش هزینه‌های مالی خود تلاش نمایند. در کنار این مسئله، رشد افکار عمومی منطقه در خلیج فارس و تأثیرپذیری رهبران کشورهای منطقه از آن، به اراده سیاسی حکومت‌های منطقه برای توسعه متقابل مناسبات سیاسی و اقتصادی با ایران شکل تازه‌ای بخشیده است. به عنوان نمونه ملاقات شخصیت‌های سیاسی درجه اول ایران و کشورهای همسایه، نظیر عربستان سعودی و کویت، نه تنها به ارتقاء روابط سیاسی کمک نمود بلکه در گسترش همکاری‌های بازرگانی نیز تأثیر داشته است. افتتاح منطقه آزاد تجاری در کویت و حضور سرمایه‌گذاران ایرانی، بدون اخذ ویزا، در این منطقه و فعالیت بازرگان کویتی در مناطق آزاد تجاری ایران، ضمن وسعت بخشیدن به حجم مبادلات بازرگانی میان دو کشور، در صورت استمرار می‌تواند در آینده نزدیک، تأثیر به‌سزایی در بسط اطمینان، تفاهم همکاری و اعتماد متقابل داشته باشد.

توجه به کشورهای عربی به طور عام و کشورهای منطقه خلیج فارس به طور خاص می‌تواند برای گردشگری در ایران مفید باشد. ضمن اینکه راه‌دیگری را برای افزایش درآمدها و کسب منافع ملی می‌گشاید. مسلمان بودن کشورهای منطقه و توجه به آداب و سنن مذهبی و اسلامی ضمن اینکه همسو با فرهنگ، عادات و رسوم ایرانیان می‌باشد، در نهایت به نزدیکی میان ملت‌های منطقه کمک می‌کند که همین امر می‌تواند تا حدودی به همگرایی دولتهای منطقه و برقراری ثبات و استقرار در خلیج فارس یاری رساند. □

جدول شماره یک

۱۹۹۲	۱۹۷۱	
زمان بروز اختلاف میان ایران و امارات	پس گیری جزایر پس از خروج نیروهای انگلیسی	شیوه برخورد کویت
حمایت از امارات در شورای همکاری خلیج فارس و تلاش در جهت حل و فصل اختلاف میان ایران و امارات	حمایت علنی و بی چون و چرا و دفاع کامل از عربیت این جزایر	ادعای اماراتی بودن جزایر سه گانه
اعزام رئیس مجلس ملی به تهران و مذاکره بامقامات ایرانی برای حل بحران	فراخواندن سفیر از تهران	واکنش نسبت به عملکرد ایران
مطرح نمودن پیشنهاد ایران جهت مذاکره مستقیم طرفین و تقاضا از ایران برای توجه به پیشنهاد امارات عربی متحده	محکوم نمودن ایران به طور صریح و همراهی با دیگر کشورهای عربی در حمله لفظی به ایران	فعالیت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد
فعالیت های میانجی گرانه به طریقی که به روابط دوجانبه لطمه ای وارد نیاید	کاهش روابط سیاسی تهران و کویت	نتیجه اقدامات کویت

پاورقی‌ها:

1. Robert. L. Rothstein, *Alliances and Small Powers*, New York: Columbia University Press, 1968, p. 29.
- ۲- سالم الجبیر الصباح، امارات خلیج فارس و مسئله نفت، ترجمه دکتر علی بیگدلی، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۶۸، ص ۸۵.
- ۳- همان، ص ۸۶.
4. The Ministry of Information. *Kuwait Facts and Figures*, Kuwait: The Ministry of Information Publishes, 1988, p. 99.
- ۵- محمد فاضل الجمالی، ماسه الخلیج و الهیمنه الغربیه الجدیدة، صص ۱۳-۱۲.
- ۶- ایضاً، ص ۱۳.
- ۷- اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه، روابط دولت شاهنشاهی ایران با دول حوزه مسئولیت اداره اول سیاسی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۹۴.
8. Shahram Chubin and Sepehr Zabih, *The Foreign Relations of Iran, A Developing State in a Zone of Great Power Conflict*, Berkeley: University of California Press, 1974, p. 20.
- ۹- اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹، ص ۴۹.
- ۱۰- لواء فیلی رودباری، کویت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰.
- ۱۱- محمد فاضل الجمالی، ایضاً، ص ۳۰.
- ۱۲- اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه، همان، ص ۹۵.
- ۱۳- سازمان خبرگزاری پارس، شناسنامه اسناد موضوعی کویت، ۱۳۴۱/۲، ۲۸.
- ۱۴- بالاخره در ۱۴ مه ۱۳۶۳/۱۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۲ پس از سقوط دولت عبدالکریم قاسم در عراق و برقراری روابط دیپلماتیک میان کویت و اتحاد جماهیر شوروی این کشور به عنوان یک صد و یازدهمین عضو سازمان ملل متحد در مجمع عمومی این سازمان صاحب کرسی شد.
15. Jusain M. Albahrri, *The Legal Status of [Persian] Gulf: A Study of Their Treaty Relations and Their International Problems*, Manchester: Manchester University Press, 1968, p. 41.
- ۱۶- سازمان خبرگزاری پارس. شناسنامه اسناد موضوعی کویت، ۱۳۴۴/۳، ۱۲.
- ۱۷- سازمان خبرگزاری پارس، شناسنامه اسناد موضوعی کویت، ۱۳۴۲/۵، ۱۰.
- ۱۸- همان، ۱۳۴۲/۱۱، ۱۲.
- ۱۹- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳، صص ۵۰-۳۴۸.
- ۲۰- همان، ص ۳۵۵.
- ۲۱- سازمان خبرگزاری پارس، شناسنامه اسناد موضوعی کویت، ۱۳۴۶/۱۰، ۲۰.
- ۲۱- منصور رحمانی، «دورنمای یک امنیت جمعی در خلیج فارس»، مجله سیاست خارجی، سال چهارم، شماره یک، بهار ۱۳۶۹، ص ۹۷.
- ۲۲- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، روابط ایران و غرب، بی نا، بی جا، شهریور ۱۳۵۶، ص ۳۶۸.
- ۲۴- فتوح الخترش، ایضاً، ص ۶۴.
- ۲۵- اصغر جعفری ولدانی، بررسی اختلافات مرزی ایران و عراق، ص ۳۵۵.
- ۲۶- اصغر جعفری ولدانی، «ادعای ارضی عراق نسبت به کویت»، مجله سیاست خارجی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۶۹، ص ۳۶.

27. Hassan Ali Al-Ebrahim, *Kuwait and the [Persian] Gulf*, Washington DC: Center for Contemporary Arab Studies, 1984, p. 54.
28. Ibid., p. 59.
29. Ibid., p. 50.
- ۳۰- وزارت التخطيط، موجز النشاط الصندوق الكويتي للتنمية الاقتصادية العربية من ۱۹۶۲، ۱/۱ الى ۱۹۹۲، ۱۲/۳۱، الكويت: وزارة التخطيط، ۱۹۹۲.
- ۳۱- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۸۵۴، شنبه ۱۳۶۱/۸/۸.
- ۳۲- روزنامه کیهان، شماره ۱۱۷۶۵، چهارشنبه ۱۳۶۱/۱۰/۱۵.
- ۳۳- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۹۶۳، چهارشنبه ۱۳۶۱/۱۲/۱۸.
- ۳۴- روزنامه کیهان، شماره ۱۱۸۲۶، پنجشنبه ۱۳۶۱/۱۲/۲۶.
- ۳۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش آماری از حضور فعال ایرانیان و مسلمانان مقيم كويت طی سال ۱۳۶۱»، ۱۳۶۱/۱۲/۲۸.
- ۳۵- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۹۵۴، یکشنبه ۱۳۶۳/۱۲/۸.
37. Amir Sajedi, "Iran's Relations with Kuwait," *Strategic Analysis* 3, 1993, p. 876.
- ۳۸- مسعود اسلامی، ریشه‌یابی مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهران: نشر همراه، ۱۳۶۹، ص ۲۵۳.
- ۳۸- روزنامه کیهان، شماره ۱۱۱۱۳، پنجشنبه ۱۳۵۹/۷/۱۷.
40. Amir Sagedi, op. cit., p. 878.
- ۴۱- بهمن نعیمی ارفع، جغرافیای سیاسی تنگه هرمز، ترجمه محسن صغیرا، اصفهان: انتشارات صغیر، ۱۳۷۱، ص ۱۱.
- ۴۲- اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت، ص ۸۷.
- ۴۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، تلکس شماره ۷۸، ۵/۲۲، ۱۳۶۰.
- ۴۴- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۴۲۸، پنجشنبه ۱۳۶۰/۲/۲۴.
45. Shireen Hunter, *Iran and the World, Continuity and Revolutionary Decade*, Indiana: Indiana University Press, 1990, p. 116.
46. Piruz Mojtahedzadeh, "Crisis in the North-East of the Persian Gulf," *The Iranian Journal of International Affairs* 4, 1990, p. 549.
- در رابطه با کمک های نقدی کویت به عراق در منابع مختلف از ۱۰ تا ۱۴ میلیارد دلار ذکر شده است.
- ۴۷- الصندوق الكويتي للتنمية الاقتصادية العربية، موجز لنشاط حتى ۱۹۹۳، ۱۲/۳۱. الكويت: الصندوق الكويتي للتنمية الاقتصادية العربية، ۱۹۹۳، ص ۲.
- ۴۸- روزنامه کیهان، شماره ۱۱۵۹۲، دوشنبه ۱۳۶۱/۳/۱۰.
- ۴۹- محمد تقی زاده انصاری، تحولات نفتی خلیج فارس و گسترش نقش ایالات متحده در منطقه، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۴، صص ۳-۷۱.
- ۵۰- شفیق الغبرا، من تداعیات احتلال الكويت: دارالقرطاس للنشر والتوزيع، ۱۹۹۵، ص ۵۳.
- ۵۱- مسعود اسلامی، همان، ص ۲۹۵.
- در این رابطه در منابع مختلف از ۱۲۵ هزار تا ۳۵۰ هزار بشکه در روز ذکر شده است.
52. Richard Schofeild, *Kuwait and Iraq: Historical Claims and Territorial Disputes*, London: Royal Institute of International Affairs, 1991, p. 123.
- ۵۳- کامرون، ر. هیوم، سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عرفی ثابت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

- بین المللی، ۱۳۷۶، صص ۲۵-۳۲۴.
- ۵۴- مصطفی فروتن، «مسئله بی طرفی و توقیف و بازرسی کشتی های تجاری»، مجله سیاست خارجی، سال دوم، شماره ۱، دی-اسفند ۱۳۶۶، ص ۹۸.
55. Bahman Bakhtiari, op. cit., p. 176.
56. Shireen Hunter, op. cit., p. 114-20.
57. Abdulreza Assiri, op. cit., p. 75.
- ۵۸- بهمن نعیمی ارفع، همان، ص ۸۸.
- ۵۹- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۷۸۳۱، چهارشنبه ۱۳۶۴/۱۲/۱۵.
60. Mowahid Hussain Shah, "Enwrapped in the Flag: How U.S Lawyers Viewed the War in the Persian Gulf," *The Iranian Journal of International Affairs* 1, Spring 1990, p. 34.
61. Mohammad Ali Emami, "Iran-Arab Relations," *The Iranian Journal of International Affairs* 4, Winter 1995, pp. 814-15.
- ۶۲- نداف صفران، «ابعاد مسئله خاورمیانه قبل و بعد از جنگ خلیج فارس»، ترجمه لیلا سازگار، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۷۸-۷۷، بهمن و اسفند ۱۳۷۲، ص ۴۱.
63. Getty Oil Company.
64. KUNA, "The Hijacking of Al-Jaberiah," Kuwait: Kuna, July 1988, pp. 19-23.
- ۶۵- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۸۵۳۵، پنج شنبه ۱۳۶۷/۵/۲۰.
66. Bahman Bakhtiari, op. cit., p. 81.
- ۶۷- بهمن نعیمی ارفع، همان، ص ۱۲۳.
- ۶۸- جریده القبس، ۱۹۸۹/۹/۲۹.
- ۶۹- علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۶.
- ۷۰- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، نامه های مبادله شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹، صص ۲۵-۱۵.
- ۷۱- روزنامه رسالت، شماره ۱۴۷۸، دوشنبه ۱۳۶۹/۱۱/۲۹.
- ۷۲- محمد علی امامی، «روابط ایران و اعراب»، مجله سیاست خارجی، سال نهم، بهار ۱۳۷۴، صص ۵۴-۱۵۲.
- ۷۳- لورنس جی. پاتر، «اقدامات اعتمادسازی در خلیج فارس»، مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۵، صص ۵۹-۱۵۸.
- ۷۴- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۹۸۵، شنبه ۱۳۷۲/۵/۳۰.
- ۷۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، تلکس مطبوعاتی شماره ۱۳۷۴/۴/۲۱، ۳۰.
- ۷۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، تلکس مطبوعاتی شماره ۱۳۷۳/۱/۸، ۱۹۷.
- ۷۷- روزنامه سلام، شماره ۱۸۶۷، شنبه ۷۶/۸/۱۷.
- ۷۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، تلکس مطبوعاتی شماره ۱۳۷۶/۸/۲، ۱۱۱.
- ۷۹- کلبشات، مجله عرب، سنه الثامن، عدد سادس و الستون، نوامبر ۱۹۹۷.
- ۸۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، تلکس مطبوعاتی شماره ۱۳۷۷/۳/۲۰، ۲۷۲.
- ۸۱- جریده القبس، ۱۹۹۸/۴/۲۷.
- ۸۲- جریده الوطن، ۱۹۹۷/۱۲/۸.